

## سرودی در ستایش اپام نپات

محمد تقی راشد محصل\*

اپام نپات<sup>۱</sup> ایزدی است کهن با ویژگی‌های همسان در اسطوره‌های ایرانی و هندی و بنابراین او را باید ایزدی مربوط به دوره‌های زندگی مشترک اقوام ایرانی و هندی دانست. این ایزد در ودایک<sup>۲</sup> یک سرود ویژه دارد (مانندالای ۲، سرود ۳۵)، اما در اوستا سرودی

\* عضو هیئت علمی گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱. جزء دوم ترکیب در ایرانی باستان napāt حالت نهادی مفرد از napā است که در ایرانی میانه nab آمده است. این واژه را در هندی باستان، فرزنده و در ایرانی باستان به نوه برگردانیده‌اند. نوه و نسه هر دو در فارسی نو معنی فرزند فرزند دارند. بنجد با صورت‌های پارسی napō puhr سندی nape-piṣ napyṣn که می‌تواند در فارسی میانه nabēpus و با افزایش ag صورت nahpusag (فارسی نو: نسه) باشد، نکت 1973 Gershevič. جزء اول ترکیب کاربردهای صرفی از واژه شناخته (آب) āp در هندی پاکستان و ایرانی باستان است.

این نام به همراه صفت barazant (نکت پست ۱۹)، بند ۵۲ و بین ۶، بند ۱۵ پس ۶، بند ۵ در متن‌های فارسی میانه به «برزآبان‌ناف» برگردانیده شده است. این ایزد متن‌های میانه نگهبان آب‌ها و پاسبان چشمه‌ها و رودهاست و «برزآب‌زده» نیز گفته شده است. او به همراه اردای فرورد از یاوران ایزد تیشتر است؛ نکت گزیده‌های زادسپرم، ۹ و ۸۳.

apāmgarhha و apām napitī, apāmnapāt در ودایک از القاب ایزد «آگنی» نیز هست و در حقیقت صورتی از آگنی (آتش) است که در آب زاده شده و در آن زندگی می‌کند. نیز گفته‌اند که او کودکی است که در شیرگان بدو دلبنده‌اند، و اطراف او را گرفته و از او مواظبت می‌کنند؛ نکت گزیده سرودهای ریگ‌ودا، ۲۱۵.

۲. وداه از ریشه vid- (دانستن) مشتق شده است و در بردارنده آگاهی‌های مختلف درباره اقوام آریایی هند است. ودای کونی از چهار کتاب زیر تشکیل شده است:

۱. ریگ‌ودا (Rg Veda) که سرودهای آن خطاب به ایزدان مختلف و در بردارنده آیین‌های قربانی و به ویژه آیین تقدیس سومه، به شعر است.

۲. سام‌ودا، ودای آهنگ‌هاست. حدود نیمی از آن گرفته شده از ریگ‌ودا و بقیه در توصیف سومه است. این

خاص ندارد و به طور پراکنده در بخش‌هایی از این کتاب از او نام برده شده است و برخی از خویشکاری‌هایش را می‌توان از همین اشاره‌های پراکنده در دو کتاب دریافت؛ خویشکاری‌های که احتمالاً بعدها به ایزدان دیگر انتقال یافته‌اند.<sup>۱</sup>

بر اساس مجموع یادکردها او را ایزدی می‌بینیم که از اهمیت فراوان برخوردار است و آیین پرستش و یزش او گستردگی دارد، بداندسان که گاه گونه‌ای از ایزد اگنی است (ماندالای ۲، سرود ۳۵، بندهای ۴، ۷، ۱۰ تا ۱۵) و زمانی فرزند اوست (ماندالای ۵، سرود ۴۱، بند ۱۰) و گاه همتام با اگنی و به جای او نام برده می‌شود (ماندالای ۸، سرود ۴۴، بند ۱۶).

ارتباط و پیوستگی با آب نیز در اسطوره‌های هردو فرهنگ بسیار است؛ او فرزند آب‌هاست، آب‌هایی که او را فراگرفته‌اند و او در درون آنها می‌درخشد (ماندالای ۲، سرود ۳۵، بندهای ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۴).

اها م نیا ت یاور سوارکاران است و آنان را در مسابقه‌ها یاری می‌رساند (ماندالای ۲، سرود ۳۱، بند ۶؛ ماندالای ۲، سرود ۳۵، بند ۱) و نیز به اسبان نیروی درندگی و شتاب می‌دهد

نیمه حدود ۷۵ سرود است.

۳. یجورودا (Yajur Veda) دربردارندهٔ قطعات نظم و نثر است. بخش منظوم آن گرفته شده از ریگ‌وداست و بخش نثر آن توصیف آیین قربانی، و برجسته‌ترین قسمت آن در توصیف سه ایزد پرچاپش، ویشنو، میتراست.

۴. اتهروودا (Atharva Veda)، که نسبت به سه ودای دیگر متأخر است و غالباً آیین‌های بومی و اوراد را دربر می‌گیرد. ریگ‌ودا یعنی قدیمی‌ترین بخش ودای تا مدت‌ها سینه به سینه نقل می‌شد و بنا به روایات هندی وباه (Vyāsa) در زمان کالی‌یوگه (Kaliyuga)، یعنی حدود سه هزار سال پیش از میلاد، آنها را گردآوری و به صورت مجموعه با سه‌بند (sāhita) درآورد. ریگ‌ودا به ده ماندالا (mandala: کتاب) و ۱۰۲۸ سرود (sukta) تقسیم می‌شود. کوچک‌ترین سرود، یک بیت و بزرگ‌ترین آنها ۵۸ بیت دارد. مجموع سرودهای ریگ‌ودا ۲۰۰۶ قطعه (varga) و ۱۰۴۱۲ ریگ (شعر، بیت یا آیه) است و روی هم ۱۵۴۲۶ کلمه (pada: یک چهارم بیت) دارد.

تقسیم‌بندی دیگری نیز از سرودهای ریگ‌ودا شده است و آن این‌که مجموع آن را به هشت قسمت بخش کرده‌اند و هر بخش را یک اشکته (āṣṭaka) نامیده‌اند. هر اشکته به هشت ادویه (adhya: باب) تقسیم شده است. سرایندهٔ سرودها رشی (ṛṣi: بیننده، آگاه)‌ها هستند که مردمان آزاده و روشن‌بین زمان خود بوده و نزد هندوان گرامی هستند.

۱. علی‌رغم ارج و اهمیتی که ایزد اها م نیا ت در میان قوم هندوایرانی داشته است، شناخت او در هر دو آیین در ماه‌های از اها م فرورفته است، زیرا در اوستا سرود مستقلی ندارد و به نسبت، در سرودهای دیگر از او سخن به بیان آمده است. در ودای نیز به جز سرود مورد بحث این گفتار، اشاره‌ای مستقل دربارهٔ او نمی‌توان یافت. مری بویس (Boyce: 40-52) چنین می‌پندارد که اها م نیا ت ایرانی در اساطیر ایران کهن جانشین و روئنهٔ هندی است و بخشی از خویشکاری‌های او را برعهده دارد و قسمتی دیگر از آنها به اردویسور اناهید انتقال یافته است. گواهی‌های موجود در ودای اوستا، هرچند بسیار اندک‌اند، اما گویای نیرو و ارج این ایزد در دو آیین هستند.

(ماندالای ۷، سرود ۴۷، بند ۲) او اسورایی است (ماندالای ۲، سرود ۳۵، بند ۲) که بر بلندترین کوه می‌ایستد (ماندالای ۲، سرود ۳۵، بند ۶) و شایان ستایش و قربانی است (ماندالای ۲، سرود ۳۵، بند ۱۲)؛ در درون آب‌ها با چهرهٔ زرین نهان است و پوششی روغنی درپوشیده است (ماندالای ۲، سرود ۳۵، بند ۱۰). توصیف زیبایی او را در قالب سرود زیر می‌توان دید:

## آوانویسی متن<sup>۱</sup>

1. úpem asrksi vājayúr vacasyám  
cáno dadhito nādió giro me  
Apám nāpād āsuhéma kuvī sá  
supćsasas karati jósisad dhi.
2. imám sú asmai hrdá ā sūtaštám  
mántram vocema kuvid asya védaí  
Apóm nāpād asurísya mahná  
višvāni aryō bhúvanā jajāna
3. sām anyā yanti, upa yanti anyāh  
samānám ūvám mediah pñanti  
tām ū sūciṃ sūcayo dīdivāmsam  
Apám napātaṃ pari tāsthur āpah
4. tām āsmerā yuvatāyo yuvānam  
marmṛjyāmānah pari yanti āpah  
sá śukrebhīh śīkvabhī revád asme  
dīdāyānidhṛoghṛtānirñigapsu
5. āsmái tisró avyathīaya nāñr  
devāya devñr didhiṣanti ānnam  
kṛtā ivópa hí prasarsre apsu  
sa piyuṣaṃ dhayati pūrvasūnām

۱. آوانویسی متن بر اساس متن ویراسته مکدونل (Macdonell 1976) است.

6. ásvasya átra janimāsyā ca svār  
 druho riṣaḥ samptcaḥ pāhi sūrṁ  
 āmāsu pūrṣú paró apramśyām  
 nārātaya ví naśan nānrtāni
7. svā ā dāme sudughā yasya dhenuh  
 svadhām pīpaya, subhú ānnam atti;  
 so ³pām nápad urjáyann apśú antar,  
 vasudcyāya vidhate ví bhāti
8. yó apśú ā súcinā dáiviena  
 rītvājasra urviyā vibhāti:  
 vayā íd anyā bhúvanāni asya  
 prá jayante vrúdhās ca prajābhīh
9. Apām nápad ā hí ásthād upastham  
 jihmānam, urdhvo vidyutam vāsanaḥ  
 tāsya jyēsthām mahimānam váhanūr,  
 hīranyavarnāḥ pári yanti yahvīh.
10. hīranyarūpāḥ, sá hīranyasamdr̥g;  
 Apām nápat sed u hīranyavarṁah;  
 hīranyáyāt pári yōner niśádyā,  
 hīranyadā dadati ānnam asmai.
11. táu asyānikam utá cáru nāma  
 apīctam vardhate náptur apām.  
 yám indhāte yuvatayaḥ sam itthā  
 hīranyavarṁam: ghṛtām ānnam asya.
12. asmái bahūām avamāya sákhye  
 yajñāir vidhema námasā havirbhīh:  
 sám sānu mārjmi; dídhīsamībilmair;  
 dádhāmi ānnaiḥ; pári vanda rgbhīh.

13. sa ṛṇ vṛṣajannayat tāsu garbham;  
 sa ṛṇ śīsur dhayati; tām rihanti;  
 sa ṛpām nāpad ānabhimlātavarṇo  
 anyāsyevchā tanūā viveṣa.
14. asmīn pade paramē tasthivāmsam  
 adhvasmābhīr viśvāhā dīdvāmsam,  
 āpa, naptre gṛtām ānnaṃ vāhanti,  
 svayām ātkaiḥ pāri dīyanti yahvīḥ
15. āyāmsam, Agne, suksīṭm jānāya;  
 āyāmsam u maghāvadbhyaḥ suvrktīm:  
 vīsvam tād bhadrām yād āvanti devāḥ  
 brhād vadema vidāthe suvrāḥ.

## برگردان فارسی<sup>۱</sup>

۱. سودخواهان این رسایی را بدو می فرستیم.

فرزند آبها سرودم را شادمانه پذیردی.<sup>۲</sup>

آیا فرزند آبهای شتابان آن را

آرامسته [و] از آن شادمان شودی؟

۲. این نیک ساخته سرود را با دلمان به خوبی،

فراگویی می برای او، تا بداندی

فرزند آبها، اهورای<sup>۳</sup> بزرگی،

۱. این برگردان بر پایه متن ویراسته مکدائل (Macdonell: 67-78) و بر بنیای معنایی که در واژهنامه آن کتاب و واژهنامه گراسمن (Graßmann 1976) آمده، تهیه شده است. ترجمه فارسی دیگری از این سرود در گزیده سرورهای ریگوداد ۲۱۵-۲۱۹ آمده است.

۲. پذیردی در برابر ودایی dadhita، سوم شخص مفرد مضارع تمنایی ناگذر از dhā- (نهادن) که همراه canas = canō (بید) به معنی پذیرش از روی میل آمده است. بسنجید با یشت ۱۹، بند ۵۲:

... yō upāpō yazatō. sruḡ.gaošōtāmō asti yezimnō.

... آن ایزدی که در آب است و ستاینده را شنوندهترین (sruḡ.gaošōtāmō) است.

۳. اهوره در برابر ودایی asurasya حالت وابستگی مفرد از asurya اهورایی. همین توصیف در یشت ۱۹، بند

- که آفریده است همه باشندگان را.<sup>۱</sup>  
 ۳. آب‌ها برخی به هم می‌آیند، و پاره‌ای می‌آیند.  
 گرد هم درآگیر؛ پُر می‌کنند نهرها را.  
 آن درخشان<sup>۲</sup> و روشن  
 فرزند آب‌ها را، آب‌ها گرداگرد می‌ایستد.<sup>۳</sup>  
 ۴. آن جوان را، آب‌ها، دوشیزگان جوان، نه خندان  
 گرد می‌آیند  
 او، برای ما با روشنی و شور به‌رادی

۵۲ نیز برای اهام نیا آمده است:

bərəzantəm ahurəm xšaōrīm xšaētəm apam napātəm auruuat.aspəm yazamaide.

اهوره بلند، شهریار درخشان، اهام نیا تیزاسب را می‌ستایم.

همین توصیف در یسن ۱، بند ۵ و یسن ۶، بند ۵ نیز آمده است. صفت «اهوره» در اوستا برای دو ایزد بزرگ دیگر یعنی مهر و اورمزد نیز آمده است و از ایزدان دیگر تنها اهام نیا چنین ستوده شده است و این گویای پایه بلند این ایزد و همسانی او با «مهر» می‌تواند باشد و مؤید این نکته نیز هست که پاره‌ای از ویژگی‌های ورونه هندی را نیز به خود گرفته است. همپایی و همسانی اهام نیا و مهر از اهمیت بسیاری برخوردار است. مهر، اهورای آتش، و اهام نیا، اهورای آب به شمار است و با یکدیگر و نطفه نگهداری آفریدگان را بر عهده دارند. مهر آرام‌بخشنده (rāmayeti) و اهام نیا به بند کشنده تهاکاران (nyāsāite) است. نیز نک Boye: 44 note 145.

۱. بسنجید با یشت ۱۹، بند ۵۲:

yō nārəuš daða yō nārəuš tataša.

آن‌که مردم را آفرید، آن‌که مردم را ساخت.

نیز نک Boye: 44 note 149.

۲. صفت «درخشان» (ودایی didivāmsam را بی‌شخص از صفت مفعولی تظلی didivas از √di- درخشدن) در اوستا نیز برای اهام نیا آمده است، هرچند این صفت اختصاص به او ندارد، بلکه ایزدان دیگری نیز مانند اشی، اردویسور، و به طور کلی اساشپندان و یا آدمیانی مانند جمشید و پدیده‌هایی مانند خورشید نیز بدان موصوف هستند؛ نک Bartholomae: 541.

۳. ارتباط ایزد اهام نیا با آب، صرف‌نظر از همانندی واژگانی بارها در متن‌های ودایی و اوستایی آمده است. در یشت ۱۸، بند ۴ می‌خوانیم:

tišrīm stārəm raēuuaṇtəm xarənanuhaṇtəm yazamaide afšciōrəm sūrəm... apəm nafōrat haca cidrəm.

نشر ستاره را بومند فرمند را می‌ستایم، آن نیرومند آب‌تخمه... که زادش از اهام نیا است.

و نیز در بند ۳۴ همین یشت، اهام نیا همراه «باد تندروه» و «قره» در آب آرام گرفته، تقسیم آب را بر عهده دارد. در یشت ۱۹، بند ۵۶ نیز قره گریخته از جم را اهام نیا در آب دریای فراخکرد می‌جوید. هم‌چنین بسنجید با یسن ۱۶، بند ۱۵ یسن ۱، بند ۵.

- درخشیده در آب‌ها، با روشنی خود [و] با پوشش روغنی.<sup>۱</sup>
۵. آن ایزد را، پیوسته سه زن- ایزد<sup>۲</sup> خوراک نیاز می‌کنند. او پستان‌ها را در آب فراز کشیده، شیر نخستین شیرآور را می‌مکد. ۶. زادن این اسب<sup>۳</sup> اینجاست، در آسمان. پپای از آمیختن با دروغ حامی را که نباید در سنگ‌های ناساخته فراموش شود؛ [و] نباید بدو رسند دشمنی‌ها و دروغ. ۷. او راست در خانش گاو نیک‌شیردهنده<sup>۴</sup> که پرورده است نیروی حیاتی<sup>۵</sup> را و برترین خوراک‌ها را خورده است. آن فرزند آب‌ها گردآورنده نیروست<sup>۶</sup> در آب. و بامی (درخشان) است برای دارایی بخشنده پرستشگر ۸. او در آب با درخشش ایزدی، پاک و جاوید و بسیار بامی است.

۱. «خودروشن» برابر ودایی *anidhmas* نهادی مفرد از *an-idhma* (سوخت نداشتن) بسنجید با اوستایی *hvāraoxšan* (خود روشن، آنچه خود به خود روشن است)؛ نک *Bartholomae: 1855*.  
 ۲. پوشش روغنی برابر ودایی *ghṛtanirik*، حالت نهادی مفرد از *ghṛtanir.nij* است و به معنای آن‌که پوشش (نیروی) او از چربی یا کره (*ghṛta*) است. این صفت در ودا برای اگنی نیز آمده است؛ نک *Graßmann 424*. با توجه به این‌که اگنی ایزد آتش است از این جهت تشابهی با مهر ایرانی دارد و مثال‌های ارائه شده ارتباط اهام‌نپات را با این هردو در اسطوره‌های دو تیره آریایی نشان می‌دهد. نیز بسنجید با *سن ۷۶*، بند *۲۳* که اهام‌نپات در کنار آذر پاک، پسر اورمزد نام برده شده است. هم‌چنین نثار آتش زوهر به آتش و آب زوهر به آب همرومی این‌دورا نشان می‌دهد.  
 ۳. سه ایزدبانو، ظاهراً اشاره به ابله (*ilē*)، سرسوتی (*sarasvati*) و بهارثی (*bhārati*) است؛ نک گزیده سرودهای ریگ‌ودا، *۲۱۷* یادداشت ۱.  
 ۴. این اسب، همان اهام‌نپات است که به پیکر اسب مجسم شده است در اوستا نیز صفت *auruual.aspa* (نیز اسب) بارها برای او به کار رفته است، بسنجید با *بشت ۱۹*، بند‌های *۵۱* و *۱۵۲* *سن ۲*، بند *۱۵* و *بشت ۵*، بند *۷۲*.  
 ۵. گگار نیک شیردهنده در برابر ودایی *sudughā dhenuh*، نهادی مفرد مونث از *su-dughā* (دارنده شیر نیک) و *dehenu* (مکیدن).  
 ۶. نیروی حیاتی، در برابر ودایی *svadhām*، رایبی مفرد مونث *sva.dhā*.  
 ۷. پیوستگی این ایزد با توان و نیرو در اوستا نیز دیده می‌شود او بارها به توانایی ستوده شده و به فرماندهان نیز نیرو بخشیده است؛ نک *بشت ۱۳*، بند *۱۹۵* *بشت ۱۹*، بند *۱۰*. در این صفت نیز با ایزد مهر همسانی دارد.

دیگر باشندگان به اخلاف

بارور می شوند و گیاهان<sup>۱</sup> به شاخه‌ها.

۹. فرزند آب‌ها گرفته است دامان [آب‌ها] را.

نور را به خرد درپوشانیده، ایستاده.

حاملان برترین بزرگی،

جویباران، شتابان گرد او می آیند.

۱۰. آن زریکرا، زرچهر

آن فرزند زرین آب‌ها

نشسته، از زهدان زرین

زردهندگان، او را خوراک می دهند.<sup>۲</sup>

۱۱. آن چهرهٔ او و آن نام عزیز

پنهان فرزند آب‌ها می‌بالد.

فروزان می‌شوند دوشیزگان جوان

از آن زرین. روغن گرم خوراک او است.<sup>۳</sup>

۱۲. به او، به بسیار نزدیک‌ترین دوست،

با قربانی، با نماز، با نیازها بیرستیمی.<sup>۴</sup>

پشت او را می‌زدایم. می‌پایمی او را با آرایش‌ها؛

با خوراک‌ها او را تأمین می‌کنم [او را] با مصراع‌ها.

۱۳. آن گاو نر، نطفه را در آب‌ها آفریده است.

چون کودک [آنها] را می‌مکد [او] می‌بوسند

آنها، رنگ‌نارفته فرزند آب‌ها را.

او کار می‌کند با تن دیگران.

۱. ارتباط آب و گیاه در اوستا فراوان دیده می‌شود. آشکارتر از همه همراهی خرداد و امرداد است که نگهبانان

این دو پدیدهٔ مادی هستند و اصولاً نیروبخشی با این دو پدیده تناسب دارد. از مطالب یسن ۶، بند ۵ و یسن ۷۱، بند ۲۳

ارتباط اهام نبات و برسم فرازگسترده را که منشأ گیاهی دارد، به خوبی می‌توان دریافت.

۲. بسنجید با مطالب متن‌های فارسی میانه که اهام نبات را به خدای مادگان گفته‌اند؛ نکت گزیده‌های زادسپرم، ۹ و

۱۸۳ بندهش، ۱۱۴. این اشاره احتمال دارد مبتنی بر برداشتی باشد از واژهٔ اوستایی *ksarria* که به معنی زهدان

گرفته شده است؛ نکت ۵۴۸: Bartholomae.

۳. بسنجید با یسن ۷۱، بند ۲۴، که در آن اهام نبات به عنوان ورد راستی ستایش شده است.



۱۴. در بیشترین جایگاه، او ایستاده.

افولناپذیر او | پیوسته فروزان

آورنده آبها [ست] به عنوان خوراک روغن برای فرزندان [خود]

آنان که با پوششها گرداگرد [او] پرواز می کنند.

۱۵. ارزانی می دارم ای اگنی! برای زاینندگان جایگاه استوار.

ارزانی می دارم نیز بخشش و سرود ستایشی را،

[و] همه خجستگی که یاری می رساند خدایان را.

ما فرزندان نیرومند هنگام ستایش والا سخن می گوئیم.

### کتاب شناسی

بندش (۱۳۶۹)، ترجمه مهرداد بهار، تهران.

گزیده سرودهای ریگ و ودا (۱۳۶۷)، ترجمه محمدرضا جلالی نائینی، تهران.

گزیده های زادسهرم (۱۳۷۲)، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران.

- Bartholomae, Ch. (1904) *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.

- Boyce, M. (1975) *A History of Zoroastrianism*, Leiden.

- Geldner, K.F. (1886-1895) *Avesta I, II, III*, Stuttgart.

- ——— (1931) *Der Rig-veda*, I, II, III, Leipzig, Otto Harrassowitz.

- Gershwitsh, I. (1973) "Genealogical Descent in Iranian," in *Bulletin of the Iranian Culture Foundation*, Vol. 1. Part 2, pp. 71-86.

- Graßmann, H. (1976) *Wörterbuch zum Rigveda*, Wiesbaden.

- Macdonell, A.A. (1976) *A Vedic Reader*, Oxford University Press.

رساله جامع علوم انسانی